

Investigating the Effects of Macroeconomic Variables on Income Distribution in Iran with an Emphasis on Tax Revenues: A Simultaneous Equations Approach

Zarir Negintaji *, Hojjat Izadkhasti **, Mohadeseh Moradiyan ***

Original Article	Receive Date: 2025 Oct 08	Accept Date: 2026 Aug 1	Page: 59-76
------------------	---------------------------	-------------------------	-------------

Abstract

Fair income distribution, improving economic performance and stability are among the main challenges in the economy that have wide-ranging consequences on social dimensions and the development process. Governments use various tools to reduce income distribution inequality, one of which is tax policies. Tax policies during economic recessions are a fundamental tool for redistributing income and stimulating aggregate demand in the economy. In addition, allocating tax revenues to public projects and social services such as education and health reduces the income gap. The main issue of this research is to investigate the effects of macroeconomic variables on income distribution in Iran with an emphasis on tax revenues using seemingly unrelated regression method in the period (1981-2023). The results indicate a negative and significant effect of tax revenues on income distribution inequality, such that a one-unit increase in tax revenues will lead to a 0.003 unit reduction in the Gini coefficient. The results also show a negative and significant effect of GDP, and a positive and significant effect of inflation, unemployment rate, and economic sanctions on income distribution inequality. Therefore, reforming the tax system structure, improving performance and economic stability play an important role in the fair distribution of income in the Iranian economy.

Keywords: Income distribution, inflation, Iran, sanctions, seemingly unrelated regression, tax revenues

JEL Classification: H21, E21, C30.

* Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
(Corresponding author)

zarir_negintaji@yahoo.com

** Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
h_izadkhasti@sbu.ac.ir

*** Master of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
m.moradiyan76@gmail.com

بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر درآمدهای مالیاتی: رویکرد معادلات همزمان

زریر نگین تاجی^{*}، حجت ایزدخواستی^{**}، محدثه مرادیان^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰	شماره صفحه: ۷۶-۵۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

چکیده

توزیع عادلانه درآمد، بهبود عملکرد و ثبات اقتصادی از چالش‌های اصلی در اقتصاد است که پیامدهای گسترده‌ای بر ابعاد اجتماعی و فرایند توسعه دارد. دولت‌ها برای کاهش نابرابری توزیع درآمد از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که یکی از آن‌ها، سیاست‌های مالیاتی است. سیاست‌های مالیاتی در زمان رکود اقتصادی، ابزاری اساسی برای بازتوزیع درآمد و تحریک تقاضای کل در اقتصاد است. به علاوه، اختصاص درآمدهای مالیاتی در پروژه‌های عمومی و خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت موجب کاهش شکاف درآمدی می‌شود. مسأله اصلی این پژوهش بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر درآمدهای مالیاتی با استفاده از روش حداقل مربعات به ظاهر نامرتب در دوره زمانی (۱۴۰۲-۱۳۶۰) است. نتایج حاصل شده بیانگر اثر منفی و معنادار درآمدهای مالیاتی بر نابرابری توزیع درآمدی بوده، به طوری که یک واحد افزایش در درآمدهای مالیاتی موجب کاهش ۰/۰۰۳ واحد ضریب جینی خواهد شد. همچنین نتایج نشان از اثر منفی و معنادار تولید ناخالص داخلی و اثر مثبت و معنادار تورم، نرخ بیکاری و تحریم‌های اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد دارد؛ بنابراین، اصلاح ساختار نظام مالیاتی، بهبود عملکرد و ثبات اقتصادی نقش مهمی در توزیع عادلانه درآمد در اقتصاد ایران دارد.

واژه‌های کلیدی: ایران، تحریم، تورم، توزیع درآمد، حداقل مربعات به ظاهر نامرتب، درآمدهای مالیاتی

طبقه‌بندی JEL: H21، E21، C30.

^{*} استادیار، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

zarir_negintaji@yahoo.com

h_izadkhasti@sbu.ac.ir

m.moradiyan76@gmail.com

^{**} دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^{***} کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵

DOI: 10.22034/mec.2026.18483.1165

۱- مقدمه

توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف کلیدی سیاست‌های اقتصادی است که تأثیرات قابل توجهی بر کاهش نابرابری‌های درآمدی و بهبود رفاه اجتماعی دارد (Stiglitz, 2012). نابرابری درآمدی نه تنها به تبعیض اجتماعی و کاهش فرصت‌های اقتصادی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند رشد اقتصادی بلندمدت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، سیاست‌های مالیاتی، به ویژه نظام‌های مالیاتی تصاعدی، به عنوان ابزاری مؤثر برای توزیع مجدد درآمد و کاهش شکاف طبقاتی شناخته می‌شوند (Piketty et al., 2023). سیستم مالیاتی تصاعدی می‌تواند با توزیع مجدد درآمد، به طور مؤثری از شکاف طبقاتی بکاهد و توزیع عادلانه‌تری از ثروت در جامعه فراهم کند (Atkinson, 2015). همواره اصلاح نظام درآمدی دولت، از طریق سهم درآمدهای مالیاتی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور، با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات نیز از دیگر محورهای مورد تأکید است (جباری و همکاران، ۱۴۰۲). با توجه به شرایط تحریمی که طی یک دهه اخیر بر بخش نفت و بانک مرکزی ایران تحمیل شده، مهمترین منبع درآمد در بودجه دولت دچار نوسانات و کاهش شده و این باعث شده تا دولت‌ها در طی سال‌های اخیر به سمت افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه عمومی حرکت کنند. همواره مالیات به عنوان ابزار قدرتمند به منظور توزیع درآمد در جامعه شناخته شده است. در این راستا، عواملی مانند سیاست‌های مالیاتی، مخارج دولت، نوع درآمد تبعیض قیمت‌ها، کمک‌های انتقالی دولت، حداقل دستمزد، نرخ بیکاری، تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد و غیره می‌توانند به نحوی سبب تنظیم درآمدها در جامعه شوند. میزان درآمد نفتی در بودجه سال ۱۴۰۳ در ایران، بیش از ۸ درصد کاهش پیدا کرده و در عوض، سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه دولت با یک رشد چشمگیر به حدود ۵۲ درصد رسیده که تأثیر این جهت‌گیری بر رشد اقتصادی و به تبع آن، نابرابری توزیع درآمد محل بررسی دارد؛ زیرا این مالیات می‌تواند رشد اقتصادی را کندتر از قبل نماید و با کاهش درآمد ملی، نابرابری توزیع درآمد را افزایش دهد. این کاهش تولید بر وضعیت اشتغال و همچنین تورم در اقتصاد تأثیر خواهد گذاشت و از این طریق، نابرابری توزیع درآمد تشدید شود. ممکن است که دولت با کسب درآمدهای مالیاتی بیشتر، امکان کمک‌های مستقیم بیشتری به دهک‌های درآمدی پایین جامعه را داشته و موجبات بهبود توزیع درآمد را فراهم آورد. اصلاحات و بهبود نظام مالیاتی می‌تواند منجر به اصلاح در ساختار اقتصاد شود. سؤال اصلی پژوهش این خواهد بود که درآمدهای مالیاتی بر نابرابری توزیع درآمد در ایران چه اثری خواهد داشت؟ برای بررسی این موضوع، اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد در ایران با تأکید بر درآمدهای مالیاتی با استفاده از روش حداقل مربعات به ظاهر نامرتب در دوره زمانی (۱۴۰۲-۱۳۶۰) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامه در بخش دوم، به بیان ادبیات نظری و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش سوم، تصریح سیستم معادلات همزمان صورت می‌گیرد. در بخش چهارم، برآورد سیستم معادلات و تحلیل نتایج انجام می‌شود. در نهایت، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی انجام می‌شود.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱. مبانی نظری

چگونگی توزیع درآمد در بین کشورهای مختلف علاوه بر اقتصاد آن کشورها، از بعد سیاسی و اجتماعی نیز دارای اهمیت است. زمانی که از توزیع نابرابر درآمد صحبت می‌شود به این معنی است که درآمدها بین افراد یک جامعه به صورت عادلانه توزیع نشده است. برای رفع مشکل توزیع ناعادلانه درآمد، در ابتدا باید عوامل مؤثر بر این نابرابری شناسایی شود و با آزمودن این عوامل بر توزیع درآمد، سیاست‌گذاران و اقتصاددانان، سیاست‌های لازم را اتخاذ نمایند (ایمانی‌راد و فراهانی، ۱۴۰۲). با توجه به ارتباطی که بین توزیع عادلانه درآمد و متغیرهای مهم کلان اقتصادی وجود دارد، توزیع

درآمد جز یکی از اهداف کلان اقتصادی کشورها تبدیل شده است. اساس نظریات مکتب کلاسیک به اسمیت^۱ بازمی‌گردد اما ریکاردو^۲ به بسط نظریه توزیع درآمد در این مکتب پرداخته است. از نظر اسمیت و مالتوس^۳ رفاه اقتصادی جامعه وابسته به تولید کلی و تعداد افراد دخیل در فرآیند تولید است؛ اما ریکاردو در تجزیه و تحلیل مفاهیم اقتصادی موضوع توزیع درآمد را امری مهم‌تر برمی‌شمارد. وی بر این باور است که مسئله توزیع درآمد از نحوه کسب درآمد مهم‌تر بوده و اقتصاد سیاسی شامل قوانینی است که بر پایه آن‌ها تولید در جامعه بین طبقات متفاوت تقسیم شده است. با گذشت یک قرن پس از طرح نظریه ریکاردو، مبحث توزیع درآمد میان عوامل تولید کماکان بدون تغییر باقی ماند. نهائین مانند کلارک^۴، ویکستد^۵ و دیکسل^۶ دو قانون بهره مالکانه ریکاردو قانون بازدهی نزولی عوامل را مورد استفاده قرار داده و آن را تا حد قوانین تعیین ارزش عوامل تولید بسط دادند. درواقع نهائین در مقایسه با کلاسیک‌ها پاسخ روشن‌تری در مقابل سؤال اساسی علم اقتصاد در زمینه توزیع درآمد (یعنی هر یک از عوامل تولید چه میزان درآمد دریافت می‌کند؟) داده‌اند. ماسگریو^۷ (۱۹۵۹) در نظریه کالاهای استحقاقی بر نقش دولت در استفاده از ابزار مالیات و یارانه برای توزیع درآمد تأکید داشته است. بر این اساس، خانوارها باید مجموعه‌ای از کالا و خدمات را بر اساس نیازهای هر کشور حتی بدون کسب درآمد مصرف کنند. وی بیان می‌کند که مالیات در اقتصاد نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کند: تثبیت، تخصیص و توزیع درآمد. ماسگریو معتقد بود که توزیع درآمد به وسیله دولت در تحریک فعالیت‌های اقتصادی و مصرف نقش بسزایی را ایفا می‌کند. بنابر نظریه نئوکلاسیک‌ها، توزیع درآمد ملی برحسب عوامل مختلف تولید و به علت ساختار اجتماعی آن زمان، با قدری محدودیت می‌بایست بین طبقات اجتماعی یعنی مالکان اراضی، صاحبان سرمایه و کارگران (زمین، کار و سرمایه) تخصیص داده شود. به نظر آنان توزیع، نتیجه فرآیندهای تشکیل قیمت‌ها در بازار است و قیمت عوامل تولید، تعیین‌کننده کمیابی نسبی هر یک از عوامل است. مبانی این عقیده، نظریه توزیع مبنی بر تولید نهایی است که آن را ویک استید^۸ در سال ۱۸۹۴ و سی^۹ در سال ۱۸۹۹ ارائه داده‌اند (Eichengreen, 1992). کلارک به‌عنوان مهم‌ترین عضو مکتب نئوکلاسیک، مانند ویکستد معتقد است چنانچه درآمد هر عامل تولید با بهره‌وری نهایی خویش برابر باشد، در شرایط وجود رقابت و در تعادل بلندمدت، نظریه بهره‌وری نهایی، چگونگی تعیین و توزیع درآمد عوامل تولید را طوری مشخص می‌کند که محصول کل به‌طور عادلانه توزیع گردد (شرافت جهرمی و نگین تاجی، ۱۳۸۹).

در نظریه نئوکلاسیک، مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم دولت برای تأمین مالی مخارج عمومی و تنظیم رفتار اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. طبق این نظریه، مالیات‌ها می‌توانند از دو طریق عمده بر تولید ناخالص داخلی تأثیر بگذارند. این اثرات به‌ویژه در مدل‌های نئوکلاسیک، نظیر مدل‌های رمزی^{۱۰} و رشد اقتصادی، مورد بررسی قرار می‌گیرند (Romer, 2012).

بر اساس نظر کوزنتس^{۱۱} (۱۹۹۵) در مسیر توسعه اقتصادی، نابرابری درآمد نخست افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی، به تدریج کاهش می‌یابد؛ یعنی، در مرحله اولیه رشد، توزیع درآمد نابرابرتر می‌شود و با ادامه یافتن رشد اقتصادی توزیع درآمد به سمت برابری پیش می‌رود؛ بنابراین، بر اساس فرضیه کوزنتس ارتباط معکوس میان رشد

1. Smith

2. Ricardo

3. Malthus

4. Clark

5. Wicksteed

6. Dicksell

7. Musgrave

8. Vic Steed

9. Jean-Baptiste Say

10. Ramsey

11. Kuznets

اقتصادی و نابرابری درآمد وجود دارد (فراحتی و سلیمی، ۱۴۰۱). کینز یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم، در چارچوب نظریه عمومی خود، تأکید ویژه‌ای بر نقش سیاست‌های مالیاتی در دستیابی به رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدی داشت. کینز معتقد است دولت‌ها باید درآمدهای مالیاتی را برای پروژه‌های عمومی و خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت هزینه کنند. این امر موجب کاهش شکاف درآمدی می‌شود (Clements et al., 2015). از دیدگاه کینز، مالیات به‌ویژه در زمان رکود اقتصادی، ابزاری اساسی برای بازتوزیع درآمد و تحریک تقاضای کل در اقتصاد است (Piketty et al., 2023). دولت‌ها در عصر کنونی باید به‌عنوان بازیگران اصلی در فرآیند کاهش نابرابری شناخته شوند. تحریک اشتغال در کنار سیاست‌های مالی و پولی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که دولت‌ها می‌توانند برای کاهش نابرابری درآمدی به‌کارگیرند. اشتغال به‌ویژه در بخش‌های عمومی و پروژه‌های زیرساختی می‌تواند فرصت‌های شغلی برای افراد کم‌درآمد ایجاد کرده و درآمد آن‌ها را افزایش دهد. این افزایش درآمد، به نوبه خود، به کاهش شکاف‌های درآمدی و نابرابری کمک می‌کند (Blanchard and Rodrik, 2023).

راس^۱ نظریه نفرین منابع را توسعه داده است و معتقد است که وابستگی به درآمدهای نفتی می‌تواند نابرابری درآمدی را افزایش دهد، زیرا این درآمدها غالباً به نفع گروه‌های خاص و نهادهای متمرکز استفاده می‌شوند. همچنین، وی نشان داد که وابستگی به نفت می‌تواند نهادهای سیاسی و اقتصادی را تضعیف کرده و توزیع نابرابر درآمدها را تشدید کند (Ross, 2001). طبق نظریه توسعه پایدار و مالیات، افزایش تولید ناخالص داخلی به دولت‌ها امکان می‌دهد که مالیات بیشتری جمع‌آوری کنند و از این منابع برای سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار استفاده کنند. درآمدهای مالیاتی ناشی از رشد GDP باید به‌گونه‌ای مدیریت شوند که به بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری‌ها کمک کنند (Stiglitz, 2012). به‌علاوه، تأثیرگذاری سیاست‌های مالیاتی بر رشد اقتصادی به عواملی مانند ساختار مالیاتی، نرخ مالیات و شرایط اولیه اقتصاد بستگی دارد (Ezeanyej et al., 2021).

مروری بر مبانی نظری ارائه‌شده نشان می‌دهد که نابرابری توزیع درآمد تحت تأثیر عوامل متعددی مانند سیاست‌های دولت و متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم و بیکاری، ویژگی‌های درونی افراد وضعیت جغرافیایی است. سیاست‌های دولت که موجبات کاهش تورم و نرخ بیکاری را به همراه دارد به توزیع مناسب‌تر درآمدها کمک می‌نماید. همچنین کشورها با درآمدهای ناشی از منابع طبیعی مانند نفت و گاز، نابرابری‌های درآمدی بیشتری را تجربه کرده‌اند. تحصیلات، جنسیت و ... نیز از جمله عواملی است که به شکاف‌های درآمدی دامن می‌زند.

۲-۲. پیشینه تحقیق

در ادامه سعی می‌شود تا مطالعات خارجی و داخلی مرتبط با موضوع موردبررسی قرار گرفته و در نهایت یک جمع‌بندی از آن ارائه می‌شود.

۲-۱-۲. مطالعات خارجی

یانگ و سی^۲ (۲۰۲۵) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر سیاست بازپرداخت اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده بر سهم درآمد نیروی کار در داخل شرکت‌های بورسی چین با استفاده از داده‌های پانل برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که این سیاست سهم درآمد نیروی کار را حدود ۰.۸ واحد درصد افزایش داده است. همچنین سیاست مذکور

^۱ Ross

^۲ Yang and Si

سرمایه‌گذاری و تولید تحقیق و توسعه را افزایش داد و به گسترش کلی اشتغال کمک کرد. دیگر یافته‌های مقاله نشان داده که این سیاست بازپرداخت مالیات بر ارزش افزوده به‌طور مثبت بر توزیع درآمد نیروی کار تأثیر گذاشته است. موسیباو همکاران^۱ (۲۰۲۴) به بررسی سیاست‌های مالی بر نابرابری توزیع درآمد در ۳۷ کشور OECD از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ با استفاده از مدل‌های بیزین پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داده سیاست مالی باعث شده تا نابرابری درآمد را به‌طور قابل توجهی به‌طور متوسط ۲۲ درصد کاهش می‌دهد. همچنین علاوه بر سیاست‌های مالی، رشد اقتصادی و شهرنشینی نیز تأثیر معناداری بر نابرابری توزیع درآمد در این گروه از کشورها دارند. آوتن و اسپلینتر^۲ (۲۰۲۴)، به بررسی روند تغییرات نابرابری درآمد در ایالات متحده در دوره ۱۹۶۰-۲۰۲۰ از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های خانوار پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که سهم درآمد بالاترین دهک‌ها کمتر از مطالعات قبلی است و افزایش انتقالات دولتی و پیشرفت سیاست‌های مالیاتی به افزایش درآمد واقعی برای همه گروه‌های درآمدی منجر شده است.

میتا و نوردینیا^۳ (۲۰۲۳)، به بررسی تأثیر نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها، تورم و نرخ بهره بر دریافت‌های مالیات بردرآمد با استفاده از روش رگرسیون چندگانه در دوره (۲۰۲۱-۲۰۱۲) پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها تأثیر معناداری بر درآمدهای مالیاتی ندارد؛ اما تورم تأثیر معناداری بر حاشیه سود متوسط درآمدهای مالیاتی داشته است.

نوبیسی دامگویا^۴ (۲۰۲۳)، به بررسی تأثیر مالیات‌های زیست‌محیطی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از روش ماتریس همبستگی در کشورهای OECD از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که وضع مالیات زیست‌محیطی می‌تواند پیامدهای نابرابر بر گروه‌های جمعیتی به دلیل تفاوت در رفتار مصرفی و دسترسی به جایگزین‌های زیست‌محیطی داشته باشد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که مالیات‌های زیست‌محیطی با ویژگی پیش‌رونده (یعنی بالاتر برای خانوارهای با درآمد بالاتر) می‌تواند نابرابری‌ها را کاهش داده و کارایی زیست‌محیطی را بهبود بخشد؛ بنابراین، مالیات زیست‌محیطی باید با سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی همراه باشد که نابرابری‌ها را کاهش داده و از گروه‌های اجتماعی آسیب‌دیده حمایت کند.

دماهیو همکاران^۵ (۲۰۲۳) با استفاده از مدل شبیه‌سازی در مقیاس کوچک^۶ به تحلیل توزیع درآمد و اثرات آن بر سطوح مختلف درآمدی در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ پرداخته‌اند و تغییرات در سیاست‌های مالیاتی را با توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهند که اصلاحات مالیاتی موجب افزایش درآمد قابل تصرف بسیاری از کارکنان شده، اما این افزایش در درآمد به قیمت کاهش درآمدهای دولت تمام می‌شود. در سطح کل جمعیت، این اصلاحات عمدتاً به نفع بالاترین دهک‌های درآمدی بوده که بخش عمده‌ای از مالیات‌دهندگان کشور را تشکیل می‌دهند. در حالی که دهک‌های پایین‌تر، اغلب از این تغییرات تأثیر خاصی نمی‌پذیرند. ساری و قبتیا^۷ (۲۰۲۲) رابطه بین درآمدهای مالیاتی و نابرابری درآمدی را در سطح استانی در اندونزی با استفاده از رویکرد اثرات ثابت در دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۱ بررسی کردند. نتایج نشان داده است که درآمدهای مالیاتی تأثیر قابل توجهی بر نابرابری درآمدی ندارند، اما نسبت مالیات‌های محلی به تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی دارد.

1- Musibau et al.

2- Auten and Splinter

3- Meita and Nordinia

4- Noubissi Domguia

5- De Mahieu et al.

6- Microsimulation

7- DSari and Qibthiyyah

گوپتا و جالیس^۱ (۲۰۲۲) تأثیر اصلاحات مالیاتی بر توزیع درآمد در کشورهای درحال توسعه را با استفاده از روش برنامه‌ریزی محلی در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ بررسی کردند. یافته‌ها نشان داده است که اصلاحات مالیاتی، به‌ویژه در مالیات بر درآمد شخصی، منجر به کاهش شاخص جینی و افزایش سهم درآمد پایین‌ترین گروه‌ها شده است. همچنین، اجرای این اصلاحات در دوره‌های رشد اقتصادی کندتر، تأثیر بیشتری بر کاهش نابرابری دارد.

بالسیلار و همکاران^۲ (۲۰۲۱) رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی بلندمدت را در یک مدل رشد درون‌زا با مالیات ثابت بر درآمد بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی به شکل U معکوس است و نابرابری درآمد پس از رسیدن به آستانه‌ای مشخص، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

افریمیدزه و سالایوا^۳ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر نظام مالیاتی با نرخ ثابت بر نابرابری درآمدی در کشورهای پساکمونیستی به تحلیل مبادله بین کارایی اقتصادی و عدالت در سیاست‌های مالیاتی می‌پردازد و بر اهمیت طراحی سامانه‌های بازتوزیع بهینه متناسب با ساختارهای سیاسی مختلف تأکید دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ مالیات ثابت با افزایش نابرابری درآمدی همراه است و شواهدی بین‌المللی دال بر نقش قابل توجه این سیاست در تشدید نابرابری ارائه می‌کند؛ بنابراین، انتخاب رژیم‌های مالیاتی (از متری تا ثابت) مستلزم توازن بین اهداف بازتوزیعی و ملاحظات کارایی اقتصادی است.

گوپتا و جالیس^۴ (۲۰۲۰) تأثیر اصلاحات بزرگ در سامانه‌های مالیاتی و جمع‌آوری درآمد بر توزیع درآمد در کشورهای درحال توسعه را با استفاده از روش برنامه‌ریزی محلی در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داده است که اصلاحات مالیاتی منجر به کاهش شاخص جینی و افزایش سهم درآمد پایین‌ترین گروه‌ها شده است. همچنین، اندازه کوچک‌تر دولت و سیستم مالیاتی، تأثیر اصلاحات مالیاتی بر توزیع درآمد را افزایش می‌دهد.

۲-۲-۲. مطالعات داخلی

بنده علی نایینی و ندری (۱۴۰۴) در مقاله خود به بررسی اختلالات مالیاتی ناشی از تورم در ایران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران حوزه درآمدهای مالیاتی می‌بایست به‌طور مستمر نسبت به شاخص سازی تورمی ارقام ریالی موجود در قوانین اقدام نمایند. همچنین برای جلوگیری از فرسایش تعهدات مالیاتی، لازم است در مواردی که کوتاه کردن فرصت‌های قانونی، آسیب کمتری نسبت به فرسایش تعهد ناشی از تأخیر دارد، نسبت به کوتاه نمودن فرصت پرداخت اقدام نمود. علاوه بر این، ضروری است درصد جریمه و مشوق مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم، با توجه به میانگین تورم مورد انتظار به‌صورت سالانه تعیین گردد.

رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود به ارائه الگویی برای بهبود درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی از طریق انجام اصلاحاتی رفتاری در نظام مالیاتی ایران پرداخته‌اند. انجام این مهم از طریق روش کیفی و مصاحبه عمیق بر روی ۱۰ نفر از مدیران مالی انجام گرفته است. نتایج نشان داده که بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی مؤثر است.

ضربی پور و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر نابرابری آموزشی بر نابرابری توزیع درآمد با استفاده از روش تخمین‌زننده گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که تأثیر نابرابری آموزشی بر نابرابری درآمدی به شکل U است، به‌طوری‌که وقفه اول نابرابری آموزشی

1. Gupta and Jalles

2. Balsilar et al.

3. Efremidze and Salayeva

4. Gupta and Jalles

تأثیر منفی و معناداری بر نابرابری درآمدی داشته است. همچنین، وقفه اول اندازه دولت تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی داشته است.

سعادت مهر و بازگیر (۱۴۰۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مالیات بر ثروت بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با استفاده از روش هم جمعی یوهانسن-جوسلیوس و دوره زمانی (۱۳۷۰-۱۳۹۷) پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین مالیات بر ثروت و ضریب جینی رابطه منفی وجود دارد و سرعت تأثیرگذاری سیاست‌های مالیات بر ثروت بر توزیع درآمد بسیار کند است.

زارع و مینایی (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر تنوع صادراتی بر توزیع درآمد در کشورهای درحال توسعه منتخب در سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۷ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش تنوع صادرات، ضریب جینی کاهش و توزیع درآمد بهبود می‌یابد. همچنین، درآمد سرانه، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری تأثیر منفی و معنی‌داری بر ضریب جینی دارد و تأثیر صنعتی شدن بر ضریب جینی بی‌معنی است.

نصیری اقدام و باباپور (۱۴۰۱) در تحقیقی تأثیر ترکیب اعتبارات بانکی بر توزیع درآمد در کشورهای درحال توسعه در اقتصاد ۲۴ کشور درحال توسعه با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های پنل طی دوره زمانی (۲۰۱۹-۲۰۰۰) موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که اعتبارات اعطایی به بخش غیرمالی، روند نزولی و اعطای اعتبار به بخش مصرف، مالی وام‌های رهنی مسکن، روند صعودی داشته‌است و همچنین نرخ اشتغال و قیمت مسکن به ترتیب، اثر اعتبارات اعطایی به بخش‌های غیرمالی و مسکن بر نابرابری درآمدی را متأثر می‌سازد.

اشعریین و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی اثر حداقل دستمزد بر توزیع درآمد در ۷ کشور درحال توسعه در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ با استفاده از روش پنل دیتا را پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش حداقل دستمزد باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود و شدت اثرگذاری این سیاست در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از اثرگذاری این سیاست در کشورهای درحال توسعه است و در نتیجه کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته باید حداقل دستمزد را متناسب با نرخ تورم افزایش دهند که این موضوع باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود.

خدابخشی و خزائی (۱۴۰۱) به بررسی تطبیقی اثر درآمدهای نفتی بر ضریب جینی در کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۶ پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای نفتی، به‌ویژه در کشورهای عضو اوپک، به افزایش نابرابری درآمدی منجر می‌شود و در کشورهای غیر اوپک، تأثیر درآمدهای نفتی بر نابرابری کمتر محسوس است.

فلاحتی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تأثیر تکانه‌های ارزی بر روی توزیع درآمد در ایران (خانوارهای شهری و روستایی) را با استفاده از رهیافت تعادل عمومی محاسبه‌پذیر موردبررسی قرار داده‌اند. پایه‌های آماری مدل بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ مرکز پژوهش‌های مجلس بنا شده و فرآیند تصریح معادلات و بستن مدل به صورت تعادلی و بر اساس مدل لافگرن تغییر و بسط داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز از ۱۰ به ۳۰ درصد، موجب کاهش متوسط مصرف حقیقی در دهک‌های درآمدی شهری از ۴،۹۴ درصد به ۱،۷۶ درصد و در دهک‌های درآمدی روستایی از ۴،۵۷ درصد به ۱،۱۵ درصد می‌شود.

مریدی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر نقدینگی بازار سهام بر توزیع درآمد برای منتخبی از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۰ با استفاده از روش FMOLS و DOLS پرداخته‌اند. نتایج نشان

می‌دهد که نقدینگی بازار سهام به‌عنوان یک بازار مالی موجب افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای توسعه‌یافته و کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه می‌شود.

مهرگان و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی اثر مالیات بر ارث بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که مالیات بر ارث و نرخ رشد اقتصادی می‌توانند در بلندمدت ضریب جینی را کاهش داده و به بهبود توزیع درآمد کمک کنند. همچنین، افزایش مخارج دولتی، نرخ تورم، نرخ رشد جمعیت و نرخ بیکاری به‌عنوان عوامل افزایش‌دهنده نابرابری درآمدی شناسایی شدند.

افشاری و بخشی‌پور (۱۴۰۱) در مقاله خود به بررسی اثر نابرابری درآمدی بر ساختار مالیاتی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ با استفاده از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)، پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که نابرابری درآمدی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، نسبت مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص داخلی را افزایش داده است، اما تأثیر منفی بر نسبت مالیات مستقیم به تولید ناخالص داخلی داشته است. این یافته‌ها حاکی از آن است که نابرابری درآمدی، ساختار مالیاتی ایران را به سمت مالیات‌های غیرمستقیم سوق داده است.

ایزدخواستی و همکاران (۱۴۰۰) به تحلیل رابطه عملکرد مالیات بر ارزش‌افزوده با تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران در دوره‌ی زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج حاصل‌شده بیانگر این است که مالیات بر ارزش‌افزوده منجر به افزایش تورم، بهبود توزیع درآمد و کاهش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت شده است. به‌علاوه، افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده و عدم کاهش سهم مالیات بر عوامل تولید، نیز باعث افزایش تورم و بدتر شدن توزیع درآمد شده است.

کازرونی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تأثیر رشد کند اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد خودرگرسیون با استفاده از رگرسیون وقفه‌های توزیعی در دوره زمانی ۹۴-۱۳۵۴ با تأکید بر فرضیه توماس پیکتی پرداخته‌اند. نتایج حاصل تأیید فرضیه توماس پیکتی^۱ بر اساس شواهد آماری ایران است. همچنین، تأثیر ضریب تولید ناخالص داخلی بدون نفت، منفی و معنی‌دار است و تأثیر درآمدهای نفتی، مثبت و معنی‌دار بوده و همچنین سال‌های جنگ، باعث افزایش نابرابری درآمدی شده است.

همان‌طور که در بالا ملاحظه گردید، در مطالعاتی که تاکنون برای اقتصاد ایران انجام‌شده، تأثیر درآمدهای مالیاتی بر نابرابری توزیع درآمد در قالب مدل‌های تک معادله‌ای برآورد شده و به این موضوع به‌صورت پویا و در قالب الگوهای کلان اقتصادی و یا معادلات همزمان انجام‌نشده است. در این کار ارزیابی تأثیر این نوع درآمدها بر وضعیت توزیع درآمد در ایران در قالب یک الگوی معادلات همزمان انجام می‌شود که این باعث می‌شود تا ضرایب در قالب یک ارتباط منظومه‌ای به صورتی دقیق‌تر برآورد شوند و این جنبه نوآوری مطالعه حاضر خواهد بود.

۳- روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، بر اساس مبانی نظری و پیروی از مطالعات آوتن و اسپلینتر (۲۰۲۴)، بالسیلار و همکاران (۲۰۲۱) و شرایط اقتصاد ایران معادلات زیر برای هرکدام از متغیرهای اصلی مدل ارائه می‌شود:

$$GINI_t = \alpha_1 + \alpha_2 LGDP_t + \alpha_3 INF_t + \alpha_4 U_t + \alpha_5 LTAX_t + \alpha_6 LOILR_t + \alpha_7 D_1 + \alpha_8 D_2 + u_t \quad (1)$$

¹. Thomas Piketty

$$LGDP_t = \beta_1 + \beta_2 LK_t + \beta_3 L_t + \beta_4 LTAX_t + \beta_7 D_1 + \beta_8 D_2 + \eta_t \quad (2)$$

$$LTAX_t = \gamma_1 + \gamma_2 LGDP_t + \gamma_3 LINV_t + \gamma_4 LGINI_t + \gamma_5 LOILR_t + \gamma_7 D_1 + \gamma_8 D_2 + \nu_t \quad (3)$$

$$INF_t = \mu_1 + \mu_2 LM2_t + \mu_3 LGDP_t + \mu_4 LEX_t + \mu_5 LOILR_t + \mu_7 D_1 + \mu_8 D_2 + \lambda_t \quad (4)$$

$$U_t = \sigma_1 + \sigma_2 W_t + \sigma_3 P_t + \sigma_4 LOILR_t + \sigma_5 GGDP_t + \sigma_6 INF_t + \sigma_7 D_1 + \sigma_8 D_2 + \nu_t \quad (5)$$

که در آن، Gini ضریب جینی، LGDP لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، INF نرخ تورم، U نرخ بیکاری، LTAX لگاریتم درآمدهای مالیاتی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، LOILR لگاریتم درآمدهای نفتی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، LK لگاریتم سرمایه‌گذاری، LL لگاریتم تعداد نیروی کار، LINV لگاریتم سرمایه‌گذاری کل به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، LM2 لگاریتم نقدینگی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، LEX لگاریتم نرخ ارز به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، W نرخ دستمزد، P بهره‌وری و GGDP رشد اقتصادی واقعی است. D_1 متغیر مجازی مربوط به تحریم‌های اقتصادی است که در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ مقدار یک و مابقی سال‌ها مقدار صفر در نظر گرفته شده است. D_2 متغیر مجازی مربوط به جنگ تحمیلی است که سال‌های جنگ عدد یک و مابقی سال‌ها عدد صفر در نظر گرفته شده است. داده‌های موردنیاز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک جهانی و مرکز آمار ایران استخراج شده است.

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

پیش از برآورد مدل‌های تصریح‌شده، ابتدا پایایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته (ADF) بررسی و در جدول (۱) گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که تمامی متغیرها با یک‌بار تفاضل‌گیری در سطح ۵ پایا هستند.

جدول ۱. نتایج آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته (ADF)

نام متغیر	مقدار آماره آزمون	مقدار احتمال	وضعیت پایایی
D(GINI)	-۶/۸۱۹	۰/۰۰۰	I(0)
D(LGDP)	-۴/۳۹۸	۰/۰۰۱	I(0)
D(INF)	-۵/۶۶۵	۰/۰۰۰	I(0)
D(U)	-۶/۳۲۰	۰/۰۰۰	I(0)
D(LTAX)	-۸/۰۰۴	۰/۰۰۰	I(0)
D(LOILR)	-۲/۴۸۴	۰/۰۱۴	I(0)
D(LK)	-۴/۱۳۶	۰/۰۰۰	I(0)
D(LL)	-۲/۴۴۹	۰/۰۱۵	I(0)
D(LINV)	-۶/۰۳۰	۰/۰۰۰	I(0)
D(LM2)	-۳/۵۲۸	۰/۰۰۰	I(0)

نام متغیر	مقدار آماره آزمون	مقدار احتمال	وضعیت پایایی
D(LEX)	-۴/۵۰۵	۰/۰۰۰۰	I(0)
D(W)	-۴/۴۱۳	۰/۰۰۰۰	I(0)
D(P)	-۵/۷۰۵	۰/۰۰۰۰	I(0)
D(EG)	-۵/۱۸۶	۰/۰۰۰۰	I(0)

منبع: یافته‌های پژوهش

با استفاده از آزمون انگل-گرنجر هم‌جمعی میان متغیرهای مدل‌های تصریح‌شده بررسی‌شده است و نتایج حاصل از آن در جدول (۲) گزارش است. نتایج بیانگر وجود رابطه هم‌جمعی بین متغیرها در الگوهای تصریح‌شده است.

جدول ۲. بررسی رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای الگوهای تصریح‌شده با استفاده از آزمون انگل-گرنجر

معادله	آماره t	مقدار احتمال	نتایج
اول	-۴/۴۴۸	۰/۰۰۰	هم‌جمع
دوم	-۲/۳۱۵	۰/۰۲۱	هم‌جمع
سوم	-۹/۴۰۱	۰/۰۰۰۰	هم‌جمع
چهارم	-۳/۶۳۷	۰/۰۰۰	هم‌جمع
پنجم	-۳/۹۳۱	۰/۰۰۰	هم‌جمع

منبع: یافته‌های پژوهش

شرط درجه‌ای: در شرط درجه‌ای یک معادله خاص در سیستم معادلات هم‌زمان باید تعداد متغیرهای حذف‌شده حداقل برابر با تعداد معادلات سیستم منهای یک باشد.

$$K - k \geq M - 1$$

K تعداد کل متغیرهای مدل (درون‌زا و برون‌زا)، k تعداد متغیرهای درون‌زای معادله و M تعداد متغیرهای برون‌زای سیستم است. نتایج حاصل از بررسی شرط درجه‌ای معادله‌های تصریح‌شده در جدول (۳) گزارش‌شده است:

جدول ۳. بررسی شرط درجه‌ای معادله‌های تصریح‌شده

معادله پنجم	معادله چهارم	معادله سوم	معادله دوم	معادله اول	نتیجه
۱۶-۱≥۵-۱	۱۶-۱≥۵-۱	۱۶-۱≥۵-۱	۱۶-۱≥۵-۱	۱۶-۱≥۵-۱	بیش‌ازحد مشخص است

منبع: یافته‌های پژوهش

شرط رتبه‌ای: شرط رتبه‌ای در صورتی تأمین می‌شود که هیچ ترکیب خطی بین ضرایب متغیرهای خارج از معادله موردنظر وجود نداشته باشد. بدین منظور ماتریسی از ضرایب متغیرهای خارج از معادله موردنظر تشکیل و دترمینان آن را بررسی‌شده است و حداقل یک دترمینان $(M-1) \times (M-1)$ مخالف صفر وجود دارد.

نتایج حاصل از برآورد معادلات همزمان مربوط به ضریب جینی، تورم، تولید ناخالص داخلی، بیکاری و درآمدهای مالیاتی به ترتیب در جداول (۴) و (۸) گزارش شده است:

جدول ۴. برآورد معادله ضریب جینی

ضریب متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره آزمون	مقدار احتمال
α_1	۰/۴۱۶۰	۰/۱۰۹	۳/۸۰۱	۰/۰۰۰۲
α_2	-۰/۶۰۳	۰/۱۸۰	۳/۳۴۶	۰/۰۰۱۹
α_3	۰/۴۴۳	۰/۱۹۸	۲/۲۳۵	۰/۰۳۱۳
α_4	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰۷	۴۸/۳۲۲	۰/۰۰۰۰
α_5	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱۴	-۲/۰۹۶	۰/۰۴۲۳
α_6	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۱/۱۵۳	۰/۲۵۰
α_7	۰/۰۱۵	۰/۰۰۶	۲/۴۷۰	۰/۰۱۴
α_8	۰/۰۱۳	۰/۰۰۸	۱/۴۸۳	۰/۱۴۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد معادله ضریب جینی نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی تأثیر منفی و معنادار در سطح ۵ درصد بر ضریب جینی داشته‌اند که حاکی از نقش تعدیل‌کننده مالیات در کاهش نابرابری درآمدی است و با نتایج مطالعات انجام‌شده سازگار است؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که سیاست‌های مالیاتی که باعث افزایش نرخ مالیات یا پایه آن شود، به بازتوزیع درآمد و کاهش شکاف‌های درآمدی کمک می‌نماید. تولید ناخالص داخلی واقعی نیز اثر منفی و معنادار بر نابرابری داشته است که نشان‌دهنده بهبود توزیع درآمد با رشد اقتصادی است. بدین معنی که رشد اقتصاد باعث بزرگ‌تر شدن تولید و به تبع آن درآمدهای ملی و درآمد عوامل تولید خواهد شد که این امر به بازتوزیع درآمد کمک می‌نماید. نرخ تورم و نرخ بیکاری تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص جینی داشته‌اند که به ترتیب بیانگر تشدید نابرابری از طریق کاهش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد و محدودیت دسترسی به فرصت‌های شغلی است. افزایش نرخ تورم از طریق افزایش ارزش دارایی‌های طبقه ثروتمند، موجب می‌شود که هم ثروت و هم درآمد این طبقه در مقایسه با طبقه فقیر که درآمد ثابت دارد و صاحب دارایی خاصی نیست، افزایش یابد و زمینه شکاف‌های درآمدی بیشتر را فراهم آورد. همچنین چون طبقه پایین درآمد تنها از راه کار کردن کسب درآمد می‌کند، لذا بیکاری به معنی از دست دادن درآمد می‌شود که این موجب افزایش بیشتر شکاف درآمدی می‌شود. درآمدهای نفتی اگرچه اثر کاهشی بر نابرابری نشان داده‌اند، اما این رابطه از نظر آماری معنادار نبوده که احتمالاً به دلیل نوسانات قیمت نفت و سیاست‌های ناپایدار توزیعی است. تحریم‌های اقتصادی تأثیر مثبت و معنادار بر افزایش نابرابری داشته‌اند که احتمالاً از کانال کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم ناشی می‌شود. درنهایت، متغیر مجازی اثر معناداری نداشته است. نتایج حاصل از برآورد معادله تورم در جدول (۵) گزارش شده است:

جدول ۵. برآورد معادله تورم

ضریب متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره آزمون	مقدار احتمال
μ_1	۴۳۸/۶۲۴	۱۱۹.۳۵۹	۳/۶۷۴	۰/۰۰۰۳
μ_2	۰/۷۶۰	۰.۱۳۳	۵/۶۹۳	۰/۰۰۰۰
μ_3	-۲۹/۲۳۴	۱۱.۴۲۲	-۲/۵۵۹	۰/۰۱۱
μ_4	۱۰/۸۴۵۰	۲.۶۶۲	۴/۰۷۳	۰/۰۰۰۱
μ_5	-۰/۵۷۶	۰.۳۴۴	-۱.۶۷۲	۰/۰۹۶
μ_6	۱۵/۶۱۵	۴.۵۶۷	۳.۴۱۸	۰/۰۰۰۸
μ_7	۵/۳۴۰۱	۵/۳۹۳	۰/۹۹۰	۰/۳۲۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد معادله تورم نشان می‌دهد که پایه پولی تأثیر مثبت و معناداری بر تورم دارد که با نظریه‌های پولی همخوانی دارد. این نتایج مؤید آن است که گسترش نامتناسب نقدینگی در اقتصاد می‌تواند از کانال افزایش تقاضای کل، فشار تورمی ایجاد کند. در مقابل، تولید ناخالص داخلی رابطه منفی و معناداری با تورم داشته که بیانگر نقش تعدیل‌کننده رشد اقتصادی بر تورم از طریق افزایش عرضه کل است؛ زیرا با افزایش عرضه کل در اقتصاد و ثابت بودن سایر عوامل، موجبات کاهش قیمت در اقتصاد فراهم می‌شود. نرخ ارز اثر مثبت و معناداری بر تورم دارد که احتمالاً ناشی از تأثیر آن بر تقاضای داخلی و امکان ایجاد فشارهای قیمتی است. از آنجایی که سهم زیادی از واردات اقتصاد ایران را کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، افزایش نرخ ارز موجب افزایش هزینه تولید بنگاه‌ها در اقتصاد شده و این زمینه افزایش قیمت کالاها را فراهم می‌نماید. اثر درآمدهای نفتی بر تورم معنادار نبوده است. تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک شوک خارجی، تأثیر مثبت و معناداری بر تورم دارند. این یافته حاکی از آن است که تحریم‌ها از کانال‌های مختلفی چون اختلال در زنجیره تأمین، کاهش عرضه ارز و افزایش هزینه‌های مبادله می‌توانند فشارهای تورمی ایجاد کنند. متغیر مجازی جنگ اثر معناداری بر تورم نداشته است. نتایج حاصل از برآورد معادله تولید ناخالص داخلی در جدول (۶) گزارش شده است:

جدول ۶. برآورد معادله تولید ناخالص داخلی

ضریب متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره آزمون	مقدار احتمال
β_1	-۱۸/۴۰۲	۵/۰۸۴	-۳/۶۱۹	۰/۰۰۰۴
β_2	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۳/۲۶۲	۰/۰۰۱
β_3	۲/۸۸۹	۰/۳۸۷	۷/۴۶۶	۰/۰۰۰۰
β_4	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۲/۱۴۷	۰/۰۳۳
β_5	-۰/۵۸۳	۰/۱۶۹	-۳/۴۴۰	۰/۰۰۰۷
β_6	-۰/۶۸۸	۰/۲۵۴	-۲/۷۰۶	۰/۰۱۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد مدل تولید ناخالص ملی نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار انباشت سرمایه و نیروی کار بر آن است. سرمایه‌گذاری به‌عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی عمل می‌کند، درحالی‌که نیروی کار (به‌ویژه نیروی کار ماهر) با افزایش بهره‌وری، سهم بسزایی در رشد تولید دارد. از سوی دیگر، درآمدهای مالیاتی اثر منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهند که احتمالاً ناشی از آثار بازدارنده مالیات‌ستانی بر انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی است. بدین معنی که افزایش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش سود بنگاه‌ها شده و لذا تمایل آن‌ها را به سرمایه‌گذاری بیشتر و در ادامه تولید بیشتر کاهش می‌دهد. تحریم‌های اقتصادی و جنگ هر دو تأثیر منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی دارند. تحریم‌ها از طریق محدود کردن دسترسی به بازارهای مالی و تجاری بین‌المللی، رشد اقتصادی را تحت فشار قرار می‌دهند. جنگ نیز با تغییر تخصیص منابع به سمت هزینه‌های نظامی و بازسازی، ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد را تحلیل می‌برد. نتایج حاصل از برآورد معادله بیکاری در جدول (۷) گزارش شده است:

جدول ۷. برآورد معادله بیکاری

ضریب متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره آزمون	مقدار احتمال
σ_1	۶/۶۲۵	۵/۲۰۲	۱/۲۷۳	۰/۲۰۴
σ_2	۰/۶۶۷	۰/۲۲۴	۳/۰۱۱	۰/۰۰۴
σ_3	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۲	-۲/۱۸۲	۰/۰۳۴
σ_4	-۰/۳۱۰	۰/۴۰۵	-۰/۷۶۵	۰/۴۴۹
σ_5	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	-۲/۱۸۱	۰/۰۳۵۰
σ_6	۰/۶۴۳	۰/۲۵۱	۲/۵۵۵	۰/۰۱۴
σ_7	۰/۶۳۶	۰/۲۳۹	۲/۶۶۲	۰/۰۱۱
σ_8	۰/۱۲۷	۰/۲۷۴	۰/۴۶۴	۰/۶۴۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج معادله برآورد شده برای نرخ بیکاری نشان می‌دهد که دستمزد نیروی کار تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ بیکاری دارد که احتمالاً ناشی از اثرات منفی آن بر تقاضای نیروی کار از سوی کارفرمایان است. در مقابل، بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی هر دو رابطه منفی و معناداری با نرخ بیکاری نشان می‌دهند. این یافته‌ها مؤید آن است که بهبود بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌توانند از طریق گسترش فرصت‌های شغلی و افزایش تقاضا برای نیروی کار، بیکاری را کاهش دهند. تورم به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای کلیدی، تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ بیکاری دارد که احتمالاً از کانال کاهش قدرت خرید خانوارها و کاهش تقاضای کل در اقتصاد ناشی می‌شود. تحریم‌های اقتصادی نیز اثر مثبت و معناداری بر بیکاری نشان می‌دهند که بیانگر تأثیر مخرب آن‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی است. در مورد جنگ، اگرچه رابطه مثبتی با بیکاری مشاهده می‌شود، اما این اثر از نظر آماری معنادار نیست. نتایج حاصل از برآورد معادله درآمدهای مالیاتی در جدول (۸) گزارش شده است:

جدول ۸. برآورد معادله درآمدهای مالیاتی

ضریب متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره آزمون	مقدار احتمال
γ_1	۱/۷۲۶۸	۲/۴۳۷۶	۰/۷۰۸۳	۰/۴۷۹۶
γ_2	۱/۴۱۴۹	۰/۷۰۳۵	۲/۰۱۱۳	۰/۰۴۵۸
γ_3	۰/۹۴۱۹	۰/۲۸۹۴	۳/۲۵۴۸	۰/۰۰۲۳
γ_4	۱۶/۱۹۴۳	۱۱/۶۳۷۲	۱/۳۹۱۵	۰/۱۶۵۸
γ_5	۰/۳۹۲۶	۱۵/۵۹۲۱	۰/۰۲۵۱	۰/۹۷۹۹
γ_6	-۰/۶۶۵۷	۰/۱۷۴۹	-۳/۸۰۵۸	۰/۰۰۰۵
γ_7	-۱/۲۶۶۲	۰/۵۵۶۶	-۲/۲۷۴۵	۰/۰۲۸۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج معادله درآمدهای مالیاتی نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری کل تأثیر مثبت و معناداری بر درآمدهای مالیاتی دارند. این یافته‌ها مؤید آن است که رشد اقتصادی و افزایش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، پایه مالیاتی را گسترش داده و ظرفیت مالیات‌ستانی دولت را ارتقا می‌بخشد. از سوی دیگر، شاخص نابرابری درآمدی (ضریب جینی) اگرچه رابطه مثبتی با درآمدهای مالیاتی نشان می‌دهد، اما این اثر از نظر آماری معنادار نیست. در مورد متغیرهای شوک خارجی، نتایج حاکی از آن است که تحریم‌های اقتصادی و جنگ هر دو تأثیر منفی و معناداری بر درآمدهای مالیاتی دارند. تحریم‌ها از طریق کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی و اختلال در نظام مالیاتی، توانایی دولت در جمع‌آوری مالیات را تضعیف می‌کنند. جنگ نیز با ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی و تغییر اولویت‌های بودجه‌ای دولت، ظرفیت مالیات‌ستانی را کاهش می‌دهد. نکته قابل توجه آنکه درآمدهای نفتی اگرچه رابطه مثبتی با درآمدهای مالیاتی نشان می‌دهند، اما این اثر از نظر آماری معنادار نیست که احتمالاً به دلیل جایگزینی درآمدهای نفتی با مالیات‌ها در بودجه دولت است.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

توزیع عادلانه درآمد، بهبود عملکرد و ثبات اقتصادی از اهداف دولت در کشورهای مختلف است و کشورها برای کاهش نابرابری توزیع درآمد از ابزارهای مختلفی استفاده می‌نمایند که یکی از آنها، سیاست‌های مالیاتی است. در این پژوهش اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر درآمدهای مالیاتی با استفاده از سیستم معادلات همزمان، دوره (۱۴۰۲-۱۳۶۰) بررسی می‌شود. نتایج حاصل‌شده نشان بیانگر این است که درآمدهای مالیاتی باعث کاهش نابرابری توزیع درآمد شده که با نتایج سایر مطالعات در این زمینه مطابقت دارد؛ بنابراین همان‌طور که نظریات مختلف نیز نشان می‌دهد، اتخاذ سیاست‌های درست و به‌موقع مالیاتی می‌تواند زمینه توزیع عادلانه‌تر درآمدها را فراهم آورد، به کاهش شکاف طبقاتی جامعه کمک کرده و مسیر رسیدن به عدالت اجتماعی را فراهم آورد. سایر متغیرهای کلان اقتصاد نیز بر توزیع درآمد تأثیرگذار بوده‌اند. تولید ناخالص داخلی اثر منفی بر ضریب جینی داشته است. این نشان‌دهنده اهمیت توجه به عملکرد اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور است و بهبود در عملکرد اقتصادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش فاصله طبقاتی کمک کند. همچنین، تورم تأثیر مثبتی بر نابرابری اقتصادی دارد. افزایش تورم به‌ویژه در شرایطی که رشد اقتصادی پایدار نباشد، می‌تواند فشارهای بیشتری بر اقشار کم‌درآمد وارد کند و باعث تشدید شکاف‌های اقتصادی شود؛ بنابراین، کنترل و مدیریت تورم در هر کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است. در خصوص بیکاری، نتایج نشان می‌دهد که نرخ بیکاری تأثیر منفی و قابل توجهی بر نابرابری اقتصادی دارد. در شرایطی که میزان بیکاری بالا باشد، افراد بیشتری به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی، درآمد کمتری خواهند داشت و این امر نابرابری را تشدید می‌کند. لذا ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری باید در اولویت سیاست‌های اقتصادی قرار گیرد. درآمدهای نفتی نیز به‌طور غیرمستقیم بر نابرابری و تولید ناخالص داخلی تأثیرگذار بوده است. این نشان می‌دهد که سیاست‌های مرتبط با بهره‌برداری از منابع نفتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که علاوه بر ایجاد درآمدهای ارزی، به توزیع عادلانه منابع و کاهش نابرابری کمک کنند. تحریم‌ها و جنگ‌ها تأثیرات منفی بر تمامی شاخص‌های اقتصادی دارند. تحریم‌ها و جنگ‌ها نه تنها موجب کاهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی می‌شوند، بلکه باعث کاهش درآمدهای مالیاتی، افزایش تورم و بیکاری و درنهایت تشدید نابرابری اقتصادی می‌شوند. در راستای بهبود توزیع درآمد، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

۱. گسترش پایه مالیاتی با شمول بخش‌های معاف و معرفی مالیات‌های جدید (مانند مالیات بر ثروت و عایدی سرمایه) می‌تواند درآمدهای دولت را افزایش داده و با تأمین منابع بیشتر برای برنامه‌های رفاهی، به کاهش نابرابری درآمدی کمک کند.
۲. جلوگیری از فرار مالیاتی باعث افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود و این منابع می‌تواند برای برنامه‌های اجتماعی و رفاهی که به کاهش فقر و نابرابری درآمدی کمک می‌کند، مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه، بهبود سیستم مالیاتی می‌تواند به کاهش شکاف‌های درآمدی در جامعه کمک کند.
۳. کنترل تورم باعث کاهش فشار بر قشرهای پایین درآمدی و در نتیجه به توزیع درآمد عادلانه‌تر کمک می‌کند.
۴. با ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر، درآمد افراد بهبود می‌یابد و شکاف درآمدی کاهش می‌یابد، این امر می‌تواند به توزیع بهتر درآمد در جامعه کمک کند.

منابع

منابع داخلی

- اشعریین، نسیم، عربی، هادی و عادل، امیدعلی (۱۴۰۱). بررسی اثر حداقل دستمزد بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته. اقتصاد باثبات، ۳(۲)، ۱۱۰-۱۲۹.
- افشاری، زهرا و پونه، بخشی‌پور (۱۴۰۱). اثر نابرابری در توزیع درآمد بر ساختار مالیاتی در ایران. تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران، ۸(۲)، ۱-۱۸.
- ایزدخواستی، حجت، دادگر، یداله و قربی، سالار (۱۴۰۰). تحلیل رابطه عملکرد مالیات بر ارزش افزوده با تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و نهم، ۲۲۷-۲۵۴.
- بنده‌علی نائینی، محمدمهدی، ندری، کامران (۱۴۰۴). اختلالات مالیاتی ناشی از تورم در ایران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۳۳(۱۱۳)، ۱۱۸-۱۶۸.
- جباری کهنه‌شهری، امیر، مرادخانی، نرگس و حبیب‌زاده، شیوا (۱۴۰۲). بررسی تأثیر اعمال مالیات بر خدمات مالی بر رشد اقتصادی در ایران. پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۳(۲)، ۹۱-۱۱۸.
- جلالی، علیرضا، دائی کریم‌زاده، سعید و پیکانی مهربان، هادی (۱۴۰۲). مؤلفه‌های اصلاح نظام مالیاتی ایران با رویکرد پذیرش عمومی و کاهش فرار مالیاتی. ۱(۴)، ۳۳-۵۲.

خدابخشی، اکبر و خزائی، قاسم (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی اثر درآمدهای نفتی بر ضریب جینی در کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک، به روش GMM. سیاست‌ها و تحقیقات اقتصادی، ۱(۳)، ۳۱-۵۳.

رفعت میلانی، مؤگان، پژویان، جمشید، حسینی، سید شمس‌الدین و غفاری، فرهاد (۱۳۹۹). بررسی تأثیر مالیات محلی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب OECD و ارائه راهکارهای جهت پیاده‌سازی مالیات‌های محلی در اقتصاد ایران. اقتصاد مالی، ۱۴(۵۳)، ۲۱-۴۴.

رمضانی، بهرام، ملکی چوبری، مجتبی، خردیار، سینا (۱۴۰۳). تبیین الگوی بهبود درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۴۶(۱۳)، ۳۰۱-۳۱۹.

زارع، محمدحسن، طلای‌مینایی، علی (۱۴۰۲). بررسی تأثیر تنوع صادراتی بر توزیع درآمد: شواهدی از کشورهای درحال توسعه منتخب. بررسی‌های بازرگانی، ۲۱(۱۱۸)، ۱-۱۸.

سعادت‌مهر، مسعود و بازگیر، افشین (۱۴۰۲). بررسی تأثیر مالیات بر ثروت بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۲(۴۶)، ۱۱۷-۱۳۷.

شرافت‌چهرمی، محمدناصر و نگین‌تاجی، زریب (۱۳۸۹). تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران. اقتصاد و الگو سازی، ۱(۲)، ۱-۲۹.

صاحب‌هنر، حامد و ندری، کامران، (۱۳۹۲). تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۳(۹)، ۱۱۵-۱۴۹.

صیاد زاده، علی و احمدی، سید محمدمهدی، (۱۳۸۵). بررسی تابع رفاه اجتماعی آماریا سن در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی. دو فصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی (۱۰)، ۱۲۳-۱۳۸.

ضربی‌پور، رضا؛ عزیززاده، محسن؛ و نوروزی، فاطمه. (۱۴۰۲). تأثیر نابرابری آموزشی بر نابرابری درآمدی در استان‌های ایران. فصلنامه آموزش و توسعه انسانی، ۱۴(۱)، ۱۱۲-۱۳۵.

فراهتی، محبوبه و سلیمی، لیلا، (۱۴۰۱). آزمون تجربی فرضیه منحنی کوزنتس مالی برای ایران. فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی، ۱۶(۵۷)، ۶۷-۸۵.

فلاحتی، ذبیح‌الله، خلیلی عراقی، منصور، برخورداری‌دورباش، سجاد و مهر آرا، محسن، (۱۴۰۱). تأثیر تکانه‌های ارزی بر روی توزیع درآمد در ایران: رهیافت تعادل عمومی محاسبه‌پذیر (CGE). سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۴(۲۷)، ۳۹-۸۳.

کازرونی، علیرضا، اصغرپور، حسین و طیبی، سیروان، (۱۳۹۹). تأثیر رشد کند اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد: با تأکید بر فرضیه توماس پیکتی. پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۰(۱)، ۵۰-۲۳.

محسنی، رضا، صمصامی مزرعه‌آخوند، حسین و شیخ شرفی، شادنوش، (۱۴۰۲). تأثیر بودجه بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد: یک تجزیه و تحلیل استانی. پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۴(۳)، ۷-۴۳.

مریدی، زینب، فتاحی، شهرام و سهیلی، کیومرث، (۱۴۰۱). بررسی تأثیر نقدینگی بازار سهام بر توزیع درآمد (منتخبی از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته). دانش سرمایه‌گذاری، ۱۱(۴۳)، ۱۹۹-۲۲۴.

مهرگان، نادر، قاسمی، سحر و سرگل‌زایی، علی، (۱۴۰۱). بررسی اثر مالیات بر ارث بر توزیع درآمد در ایران: رهیافت خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL). بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۲۹(شماره پیاپی: ۱۸)، ۲۹۵-۳۲۷.

مهرگان، نادر؛ باقری، علی؛ و رنجبر، همایون. (۱۴۰۱). بررسی اثر مالیات بر ارث بر توزیع درآمد در ایران: رهیافت ARDL فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷(۸۹)، ۴۵-۷۲.

نصیری اقدم، علی و باباپور، میترا، (۱۴۰۱). تأثیر ترکیب اعتبارات بانکی بر توزیع درآمد در کشورهای درحال توسعه. مدل‌سازی اقتصادی، ۱۵(۵۶)، ۶۳-۸۱.

- Auten, G, & Splinter, D. (2024). *Income inequality in the United States: New evidence from tax data*. American Economic Journal: Economic Policy, 16(1), 1-25.
- Balcilar, M, Gupta, R, & Ma, W. (2021). *Income inequality and long-run growth in an endogenous growth model with constant income taxes*. Economic Modelling, 94, 715-725.
- Blanchard, O, & Rodrik, D. (2023). *Combating inequality: Rethinking Government's role*. MIT press.
- Clements, B, de Mooij, R, Francese, M, Gupta, S, & Keen, M. (2015). Fiscal policy and income inequality: An overview. *Inequality and fiscal policy*, 1.
- Eichengreen, O. (1992). *The History of Economic Thought: Ten Master Economists*.
- Efremidze, L. & Salayeva, R. (2021). Ideas That Fall Flat: The Effect of Flat Tax on Income Inequality. *Journal of Accounting and Finance*, 21(4), 117-140.
- Ezeanyej, C. I, Obi, C. O, Imoagwu, C. P, & Ejefobihi, U. F. (2021). Monetary policy and inflation control: the case of Nigeria. *European Journal of Management and Marketing Studies*, 6(2), 128-149.
- Greene, W. H. (2012). 201 1. *Econometric Analysis*. In: Prentice Hall: Upper Saddle River, NJ.
- Gupta, S, & Jalles, J. T. (2020). *Tax revenue reforms and income redistribution in developing economies*. Center for Global Development, 1-45.
- Gupta, S, & Jalles, J. T. (2022). *Do tax reforms affect income distribution? Evidence from developing countries*. Economic Modelling. 110 (4), 105804.
- Meita, I. & Nurdiniah, D. (2023). *The effect of changes in corporate Income tax rates, inflation and interest rates on income tax revenues*. *Journal Pajak dan Keuangan Negara*, 4(2):563-570.
- Musibau, H. O, Zakari, A. & Taghizadeh-Hesary, F. (2024). *Exploring the Fiscal policy—income inequality relationship with Bayesian model averaging analysis*. *Economic Change and Restructuring*, 57 (21), 2024.
- Noubissi Domguia, E. (2023). *Taxing for a better life? The impact of environmental taxes on income distribution and inclusive education*. *Journal of Heliyon* 9 (11), 1-24.
- Piketty, T, Saez, E, & Zucman, G. (2023). *Progressive wealth taxation*. *Brookings Papers on Economic Activity*, 2023(1), 1-72.
- Sari, D. & Qibthiyyah, R. M. (2022). *Tax revenues and income inequality: Evidence from Indonesian provinces*. *The Indonesian Journal of Development Planning*, 6(2), 155-172.
- Stiglitz, J. (2012). *The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future*. Publisher by: W.W. Norton & Company.
- Yang, Guang-Zhao and Si, Deng-Kui (2025). The impact of VAT input tax refund policy on firms' labor income share: Evidence from China. *Economic Analysis and Policy*, 86, 2233-2246.
- Zellner, A. (1962). *An efficient method of estimating seemingly unrelated regressions and tests for aggregation bias*. *Journal of the American statistical Association*, 57(298), 348-368.